

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

چریکهای فدائی خلق ایران

۲۶ فبروری ۲۰۱۸



سقوط هواپیمای تهران - یاسوج و رسوائی جدید جمهوری اسلامی

حدود ساعت هشت و پنج دقیقه صبح روز یکشنبه بیست و نهم بهمن ماه [دلو] ۱۳۹۶ ، یکی از هواپیما های شرکت هواپیمائی "آسمان" که از تهران عازم یاسوج بود ، در پنجاهمین دقیقه پرواز خود به علت نامعلومی دچار سانحه هوائی شد و در منطقه پادنا

سمیرم ، در دامنه کوه های دنا سقوط کرده و نهایتاً به متلاشی شدن آن منجر شد. تمامی شواهد و اسناد منتشر شده در ارتباط با دلیل سقوط هواپیمای مذکور و همچنین چگونگی برخورد مسؤولان جمهوری اسلامی پس از سانحه ، بیانگر آن است که این رژیم چگونه برای جان انسانها پیشیزی ارزش قائل نبوده و با بی مسؤولیتی تمام با مسایل جدی که خطر مرگ برای انسانها دارد برخورد می کند. بررسی مسایلی که در رابطه با سقوط این هواپیما اتفاق افتاده این امر را به خوبی آشکار می سازد.

در همان روز یکشنبه و ساعاتی پس از سقوط این هواپیما ، مقامات جمهوری اسلامی اعلام نمودند که تمام شصت و شش سرنشین هواپیما ، اعم از مسافر و خدمه جان باخته اند! اعلام این خبر در شرایطی صورت پذیرفت که هنوز نه بیکره متلاشی شده هواپیما مشاهده شده بود و نه تلاشی برای یافتن اجساد سرنشینان کشته شده و یا مسافران احتمالاً زخمی شده ، صورت پذیرفته بود و نه حتی خبری از محل دقیق سقوط هواپیما گزارش داده شده بود. اعلام چنین خبری در چنین شرایطی تنها نشان می داد که مسؤولان رذل و پست فطرت جمهوری اسلامی ، صرفه را در آن دیده بودند که به یکباره با اعلام مرگ همه مسافران ، هم خیال خود را راحت کنند و هم بر روی مسؤولیت خود در نجات جان بازماندگان ، پرده بکشند.

این رذالت غیر قابل باور آنگاه بیشتر برجستگی پیدا می کند و در واقعیت هم کرد که کسانی از اقوام سرنشینان اعلام کردند که پس از سقوط هواپیمای مذکور، از بستگان شان در هواپیما، تلفون هائی مبنی بر درخواست کمک داشته اند و این مسأله آنگاه بیشتر انعکاس یافت که وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی - محمد آذری جهرمی که خود دستی در سرکوب و پرونده سازی علیه مردم داشته است نیز تأیید کرد که تلفون همراه یکی از سرنشینان پس از سقوط هواپیما ، کماکان روشن و فعال بوده و وجود همین تلفون ، وسیله ای برای رد یابی محل دقیق هواپیما شد! با همه این اوصاف ،

در ساعات اولیه این سانحه ، هیچ اقدام جدئی از طرف دولت برای نجات جان سرنشینان هواپیمای ساقط شده صورت نگرفت.

پس از چند روز که بالاخره هواپیمای سقوط کرده پیدا شد و اجسادى از سرنشینان به چشم دیده شدند ، با روشنى هر چه بیشتری تأیید شد که جمهوری اسلامی در جهت نجات جان حادثه دیدگان به موقع گام برداشته و عملاً در مرگ آنها مسؤول است. بر این اساس که هم در رسانه های داخلی و هم خارجی این خبر اعلام شد که برخی از قربانیان این حادثه از فرط سرما، پتو های داخل هواپیما را به دور خود پیچیده و تلاش داشته اند تا خود را از سرما در امان نگهداشته تا بتوانند یا خود را به جای امنی برسانند و یا این که در همان جا منتظر گروه های امداد باقی بمانند! در حالی که دست اندر کاران جمهوری اسلامی اساساً به طور جدی در فکر اعزام گروه نجات نبودند ، چه رسد به این که عملاً اقدامی در این زمینه صورت دهند.

اما در مورد خود هواپیمای سقوط کرده ، همه گزارشات بر کهنه و فرسوده بودن و از کار افتادگی هواپیما صحت گذاشته اند. در نتیجه سؤال اینجاست که چرا هواپیمای آبت.ر هفتاد و دو که به قول خود مسؤولان جمهوری اسلامی نزدیک به بیست و پنج سال عمر داشته و فرسوده محسوب می شده ، و باز هم به قول خود مسؤولان جمهوری اسلامی ، چندین بار موتورهایش تعمیر شده و همچنین چند سال در فرودگاه شیراز زمین گیر بوده است ، دوباره و بدین شکل به کار گرفته شده است؟ این مسأله میزان نقص فنی هواپیمای مزبور که منجر به فاجعه جانباختن بیش از شصت و شش انسان شد را نشان داده و از عمق فساد در درون دستگاه های جمهوری اسلامی و بی مسؤولیتی دزدان حاکم خبر می دهد. در واقع همه فاکت های ارائه شده بیانگر آنند که آنچه پیش آمد سانحه ای بود که می شد از آن جلوگیری نمود و صرفاً به دلیل بی مبالاتی مسؤولان جمهوری اسلامی رخ داده است.

امروز بر اساس اخبار منتشر شده معلوم می شود که در ایران هواپیماهائی به کار گرفته می شوند که فاقد دستگاه جی پی اس مخصوص و ضروری می باشند. با این حال خلبانان را مجبور به پرواز با چنین هواپیماهائی می کنند که می دانند از وضعیت کیفی لازم برخوردار نمی باشند و نقایص موجود در آنها ضریب و میزان ریسک خطر را بسیار بالا می برد. کار به آنجا کشیده شده که شرکت های هواپیمائی و از جمله شرکت آسمان با گرفتن چک های ضمانتی از خدمه هواپیما ها ، آنها را تحت فشار قرار می دهند تا به شرایط ناامن پرواز تن در دهند.

تنها نگاهی به این عوامل ، به روشنی نشان می دهد که مردم ما در چه موقعیت های آسفاکی به سر می برند که در آن ، زمینه هرگونه فاجعه و سانحه ای از نوع سقوط هواپیمای مزبور از قبل قابل پیشبینی می باشد. هواپیمائی فرسوده و با نقص فنی ، موتور هائی بشدت آسیب دیده با سابقه چندین باره تعمیرات جدی ، از کار افتادگی چندین ساله ، تهدید و تمهید خلبانان به پرواز اجباری با اخاذی اسناد حقوقی و به اصطلاح قانونی از آن ها که باعث پریشانی فکر و روان آن ها می شود ، امساک و صرفه جوئی در خرید قطعات جدید و پیشرفته ، به دلیل دزدی ها و ارتشاء مسؤولان ، در نتیجه ساماندهی و وقوع فاجعه چنین هولناکی ، قطعی ست. تازه ردالت مسؤولان جمهوری اسلامی تنها به شرایطی که قبل از پرواز ایجاد کرده اند ، بر نمی گردد. واضح است که در صورت اختصاص بخش کوچکی از بودجه ای که صرف خرید اسلحه و جنگ در این یا آن کشور منطقه می کنند برای سالم سازی هواپیما ها ، فجاجع آنچنانی نیز به وجود نمی آیند. البته وقتی شیوه برخورد سردمداران جمهوری اسلامی پس از فاجعه اخیر در نظر گرفته شود که به جای بسیج امکانات شان برای نجات جان بازماندگان ، آنقدر تعلل می کنند تا سرما ، همان چند نفری را هم که در جریان حادثه زنده مانده اند نابود سازد ، آنگاه معلوم می گردد که به قول معروف خانه از پای بست ویران است.

واقعیت فوق در عین حال با نشان دادن بی‌مبالاتی و حد فساد در درون دستگاه‌های جمهوری اسلامی به نوبه خود ثابت می‌کند که جمهوری اسلامی براساس اصلاح‌ناپذیر است و راهی جز سرنگونی در مقابله با آن وجود ندارد. تا آنجا که حتی جهت برخورداری از حداقل ایمنی و سلامت پرواز در ایران، امروز ضروری است که هر چه زودتر این رژیم وابسته به امپریالیسم به دست پر توان توده‌ها سرنگون شده و راه برای قدرت‌گیری طبقه کارگر و ایجاد جامعه‌ای نوین در خدمت رفاه و آسایش وسیع‌ترین توده‌های مردم هموار گردد.

نگاهی کوتاه و اجمالی به فجایعی که در همین چندین ماه اخیر در ایران زیر سلطه جمهوری اسلامی رخ داده، همچون فاجعه آتش‌سوزی در ساختمان پلاسکو، عدم رسیدگی به زلزله‌زدگان در غرب کشور و غرق شدن کشتی نفتکش سانچی و سقوط هواپیمای مورد بحث، همه و همه به روشنی نشان می‌دهند که جمهوری اسلامی آنچنان پوسیده و ناتوان شده که همه سردمداران غارتگر رژیم به تنها چیزی که فکر می‌کنند، اختلاس و دزدی‌های میلیارد تومانی از بودجه‌های کشور و پر کردن جیب‌های گشاد خود می‌باشند. به همین دلیل هم تا نظام جمهوری اسلامی برقرار است مردم ما روز خوش نخواهند دید. پس سرنگون باد جمهوری اسلامی، تا برای رسیدن مردم تحت ستم ما به ایرانی آباد و آزاد و دمکراتیک که در آن منابع کشور صرف رفاه و آسایش آن‌ها شود، سدی نباشد و دیگر فساد، دزدی، ارتشاء و غارت و چپاول بر روی زمین این رژیم منفور، جان انسانها را در آسمان به بازی نگیرد. ما ضمن ابراز همدردی با خانواده‌های کشته‌شدگان این سانحه دردناک، بار دیگر بر مسئولیت مستقیم رژیم دزد و فاسد جمهوری اسلامی در بروز این حادثه تأکید می‌کنیم.

چریک‌های فدائی خلق ایران

بیست و سوم فروری ۲۰۱۸